



## بررسی ریخت‌شناسانه داستان شغاد از شاهنامه

### بر اساس نظریه پراپ

دکتر یداله شکری

عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۴

#### چکیده

مقاله پیش رو در پی آن است که داستان شغاد شاهنامه را بر پایه نظریه ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ تحلیل و میزان تطابق آن دو با یکدیگر را بررسی کند. به همین منظور در بخش نخست، مبانی نظری مکتب ساختارگرایی و ریخت‌شناسی بررسی می‌شود. در ساختارگرایی اصالت به متن، بی‌توجهی به ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، توجه به روابط متقابل واحدهای متن مورد توجه است. در ریخت‌شناسی مواردی مانند: چهار قانون کلی در شخصیت‌ها، عناصر پایدار و متغیر داستان، کنش‌های هفت‌گانه شخصیت‌ها، کارکردها و انواع حرکت در داستان بررسی می‌شود.

نگارنده در بخش دوم به بررسی داستان شغاد بر پایه یافته‌های پراپ پرداخته و با رسم جداول و شکل‌هایی مباحث را نشان داده است داستان با کارکردها پراپ تطبیق داده شده و موارد جابه‌جایی کارکردها و عدم مطابقت‌ها مشخص شده است. این جستار در پایان به این نتیجه می‌رسد که داستان بر پایه الگو پراپ دارای دو حرکت است و مواردی هست که داستان مطابق الگو نیست و کارکرد جدیدی به نام پذیرش تقدیر در داستان‌های ایرانی وجود دارد که در الگوی پراپ مطرح نشده است. اندیشه ثنویت در کارکردهای داستان شغاد وجود دارد توجه به عدد سه به شکل رویدادهای سه‌گانه در به انجام رسیدن اهداف شخصیت‌ها دیده می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** ریخت‌شناسی، پراپ، ساختارگرایی، رستم و شغاد.

#### مقدمه

اولین بار ارسطو در بوطیقای خویش از ساختار طرح داستان سخن گفت و بیان کرد که: «طرح حالت هنری حوادثی است که یک داستان را پدید می‌آورد» (مخبر، ۱۳۷۲: ۲۵) تا این که «در سال‌های دهه ی ۱۹۲۰ م کسانی مانند ولادیمیر پراپ، آندره یولس، نورتروپ فرای و کلود گلین براساس مفاهیم فرمالیستی مثل نظم کلمات و نظام ادبیات، تئوری خود را به صورت اصالت فرم و فرمالیسم نشان دادند و حلقه پراگ در ۱۹۲۶م که یکی از جریان‌های اصلی مبلغ فرمالیسم بود تشکیل شد» (زرشناس، ۱۳۸۷، صص ۶۰-۵۹). فهم فرمالیست‌ها به عنوان یک مکتب نظری از طرح با ارسطو متفاوت بود، «آن‌ها طرح را برخلاف ارسطو که معتقد بود با دقت تدوین شده است و دارای حقایق اساسی زندگی است، با آشنایی زدایی پیوند دادند» (مخبر، ۱۳۷۲: ۲۶). برای فرمالیست‌ها متن فارغ از ریشه‌های فرهنگی و تاریخی و اجتماعی مهم بود و «پاسخ به این سوال که ادبیت متن چیست. لذا تمام عناصر درون متن را استخراج و ارتباط آن‌ها را با هم بررسی کردند همزمان با شکل‌گیری فرمالیسم و ظهور پیشرفت‌هایی در زبان‌شناسی، فردینان دو سوسور یکی از مشهورترین زبان‌شناسان انگاره‌ای ارائه داد که باعث تحولی عظیم در مطالعات فرمالیستی و شکل‌گیری ساختارگرایی شد. ساختارگرایی به عنوان یک نظام درپی به دست آوردن الگویی مرجع برای مطالعه ادبی بود که در آن پس از کشف کوچکترین واحد ساختاری، روابط متقابل این واحدها و چگونگی ترتیب

آن‌ها بررسی می‌شود و همین امر سبب تأثیر آن بر مطالعات فولکلوریک گشت که اوج آن را در کتاب ریخت‌شناسی پراپ شاهد هستیم» (خدیش، ۱۳۹۱، صص ۴۷-۴۰). می‌توان گفت بخش اعظم دستاورد‌های ساختارگرایی در دو روش پراپ و لوی استراوس نمود یافت با این تفاوت که استراوس به بررسی ساختارهای اساطیری پرداخت در حالی که پراپ تحلیلی ساختاری از آن را براساس صورت‌ارائه داد و آن را ریخت‌شناسی نامید. او مجموعه‌صد حکایت از حکایات پریان روسی را بر پایه کنش شخصیت‌ها طبقه‌بندی و در قالب نماد‌هایی بیان کرد و به ۳۱ کارکرد دست یافت که در مجموع در بردارنده کلیه امکانات ساختاری اثر هستند. تجزیه و تحلیل ساختاری یک اثر و ریخت‌شناسی آن از بهترین شیوه‌های نقد ادبی و از علمی‌ترین روش‌ها برای بررسی آثار داستانی است و شاهنامه نیز با توجه به نوع ادبی خود و ساختار پرمایه‌ای که دارد بسیاری از این گونه‌های تحلیل را برمی‌تابد، ما در این پژوهش سعی بر آن داریم تا داستان رستم و شغاد از شاهنامه را که از زیباترین بخش‌های آن است بر پایه طبقه‌بندی پراپ بررسی کرده و میزان تطابق این داستان را با الگوی پراپ نشان دهیم در داستان مورد نظر جدای از مواردی مانند حرکتی جدید که در الگو پراپ یافت نشد (توجه نکردن به یاریگر) و می‌تواند یک نوع تقدیر باوری در اعتقادات کهن و فرهنگ ایرانی باشد، نهایت داستان رستم و شغاد با الگوی پراپ هماهنگ است

#### پیشینه تحقیق

تاکنون کتب و مقالات متعددی درباره ریخت‌شناسی و به طور اخص ریخت‌شناسی داستان‌هایی از شاهنامه نوشته شده است، از آن جمله می‌توان به ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی (پگاه خدیش، ۱۳۹۱)، ریخت‌شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی (بهرام پور جلالی، ۱۳۹۱) ریخت‌شناسی قصه قلعه ذات‌الصورد در مثنوی طبق نظریه ولادیمیر پراپ (مسعود روحانی و سبیکه اسفندیار پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، بررسی ریخت‌شناسانه داستان بیژن و منیژه شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ مسعود روحانی و محمد

عنایتی قادیکلایی و ریخت‌شناسی هفت‌خوان رستم از شاهنامه فردوسی (حمیدرضا فرضی و فرناز فخریمی‌فاریابی، ۱۳۹۲) اشاره کرد که با طبقه‌بندی‌های پراپ تطابق داشته است. این جستار با بررسی ساختار قصه براساس الگوی پراپ و نمایش آن در قالب جداول و شکل‌ها تحلیلی کامل را از داستان رستم و شغاد ارائه می‌دهد.

### ساختار گرای

نخستین بار رومن یاکوبسن در ۱۹۲۹م اصطلاح ساختارگرایی را وضع کرد، اما درحقیقت « نظرات او معنایی عام از فرمالیسم بود» (خدیش، ۱۳۹۱: ۴۶). می‌توان گفت: « ساختارگرایی یعنی بررسی روابط متقابل میان اجزای سازای یک شیء یا موضوع فولکلوریک» (ریخت‌شناسی قصه‌های پریان: ۱۳۹۱: ۷) و در وسیع‌ترین مفهوم آن روش جست‌وجوی واقعیت در روابط اشیای منفرد است. همچنین « پاسخی است به داشتن نظامی منسجم که علوم مدرن را وحدت بخشد و روشی است که می‌خواهد کلیه علوم را در نظام اعتقادی جدید گرد آورد. ساختارگرایی کانون فعالیتش را از مطالعات زبان‌شناختی گرفته است و با حرکت از مطالعه زبان به ادبیات و تعریف اصول ساختاردهی، در پی به دست آوردن الگویی مرجع است تا عملی‌ترین مبنا را برای مطالعه ادبی فراهم کند» (طاهری، ۱۳۷۹، صص ۲۹-۲۱). بررسی ساختاری داستان با ولادیمیر پراپ بر روی حکایت پریان روسی آغاز شده است، هرچند میراث آن از ارسطو تا به امروز برجای است. « پراپ نماینده فرمالیست در دل ساختارگرایی ادبی بود که سایر فرمالیست‌ها و ساختار‌گرایان از او تأثیر پذیرفتند و بخش اعظم دستاورد‌های ساختارگرایی در دو روش پراپ و لوی استراوس نمود یافت، با این تفاوت که لوی استراوس تجزیه تحلیل عمودی (بررسی ساختارهای اساطیری) و پراپ تحلیلی زنجیری (ساختاری) را ارائه داد و از آن با عنوان ریخت‌شناسی یاد کرد که نیروی محرکه مهم تفکر ساختاری شد و نقطه‌ی آغاز کار چندین نظریه پرداز دیگر به ویژه گروه گرماس، برمون و تودوروف... قرار گرفت» (طاهری، ۱۳۷۹، صص ۹۵-۹۱).

### ولادیمیر پراپ و ریخت‌شناسی

«ولادیمیر یاکف لویچ پراپ در ۱۸۹۵م در سن پترزبورگ به دنیا آمد. اومدرس فولکلور در دانشگاه لنینگراد بود و حاصل سال‌ها تحقیق خود را در کتابش با عنوان "ریخت‌شناسی قصه‌های پریان" در ۱۹۲۸م منتشر کرد. او اصطلاح ریخت‌شناسی را با توجه به مورفولوژی (morphology) که در علم گیاه‌شناسی به معنی بررسی و شناخت اشکال یعنی ساختمان گیاه بود به کار برد و ریخت‌شناسی را بررسی و شناخت ساختار داستان بیان کرد» (ریخت‌شناسی قصه‌های پریان: ۱۳۹۱). پراپ کارش را با مسأله طبقه‌بندی و سازمان‌دهی حکایت‌های عامیانه روسی آغاز کرد و بر مبنای کار بدیه و وسلوفسکی بیان داشت که اغلب تلاش‌ها برای طبقه‌بندی حکایت‌ها براساس بن‌مایه یا عناصر در آخر به گروه‌بندی‌هایی بی‌نظام می‌انجامد و خود به بررسی عناصر پایدار و متغیر در حکایت‌های پریان پرداخت در نظر او حکایت یک واحد تحلیل ساختاری است و او با بررسی مجموعه‌ای از صد حکایت پریان روسی (شماره ۳۰۰ تا ۷۴۹ فهرست آرن-تامپسن) به ۳۱ کارکرد دست یافت که کلیه امکانات ساختاری را که در کل مجموعه هست در بردارد و با بررسی عناصر پایدار و متغیر در این حکایت‌ها به این نتیجه رسید که با وجود این که شخصیت‌های یک حکایت متغیرند ولی کارکرد‌های آن‌ها پایدار و محدود است و کارکرد را «عمل یک شخصیت که بر حسب میزان اهمیت آن در پیشبرد کنش‌ها تعریف می‌شود» (طاهری، ۱۳۷۹: ۹۶) دانست.

«پراپ ۴ قانون تدوین میکند:

- ۱- کارکردهای شخصیت‌ها در یک حکایت عناصری پایدار و ثابت اند و اجزای بنیادین یک حکایت را تشکیل می‌دهند
- ۲- تعداد کارکرد‌های متعلق به حکایت پریان محدود است
- ۳- توالی کارکرد‌ها همیشه یکسان است؛
- ۴- همه حکایت‌های پریان از لحاظ ساختار آن به یک نوع تعلق دارند.

اودریافت که تعداد کارکرد‌ها هیچ‌گاه از ۳۱ عدد تجاوز نمی‌کنند و نیز همه آن‌ها در یک حکایت وجود ندارد و ترتیب و توالی آن‌ها همیشه به یک صورت است. پراپ علاوه بر این هفت شخصیت را هم شناسایی کرد که عبارتند از: خبیث، بخشنده، یاری‌گر، شاهزاده خانم

(شخص مورد جست و جو) و پدرش، گسیل دارنده، قهرمان و قهرمان دروغین که ممکن است در یک حکایت یک شخص چند نقش داشته باشد و یا یک نقش از آن چند شخصیت باشد؛ ولی در هر صورت این ها نقش های پایه ای داستان اند « (طاهری، ۱۳۷۹، صص ۱۰۳-۹۶). کارکردهای پراپ که در قصه‌های پریان با حروف مشخصی نامگذاری شده اند عبارت است از:

	(۱) وضعیت آغازین
	(۲) غیبت
Y	(۳) نهی
	(۴) نقض نهی
	(۵) خبر گیری شریر
θ	(۶) دریافت خبر
	(۷) فریبکاری
A	(۸) شرارت
B	(۹) میانجیگری، رویداد پیوند دهنده
C	(۱۰) مقابله آغازین
	(۱۱) عزیمت، گسیل کردن
D	(۱۲) نخستین خویشکاری بخشنده
E	(۱۳) واکنش قهرمان (مثبت یا منفی)
F	(۱۴) دریافت عامل جادو
G	(۱۵) انتقال مکانی، راهنمایی
H	(۱۶) کشمکش با شریر
I	(۱۷) پیروزی
J	(۱۸) داغ گذاشتن
K	(۱۹) کارسازی مصیبت یا رفع مشکل
	(۲۰) بازگشت قهرمان

Pr	(۲۱) تعقیب
Rs	(۲۲) نجات و رهایی
O	(۲۳) ورود به طور ناشناس
L	(۲۴) ادعای دروغین
M	(۲۵) کار دشوار
N	(۲۶) انجام کار دشوار
Q	(۲۷) شناخته شدن
Ex	(۲۸) رسوایی شریر
T	(۲۹) تغییر شکل
U	(۳۰) مجازات شریر یا قهرمان دروغین
w*	(۳۱) عروسی

پراپ همچنین دریافت که هر داستان ممکن است شامل دو یا چند بخش باشد که در هر بخش موضوع و قصه‌ای جدا گانه اتفاق می‌افتد؛ ولی هر دو به هم مربوط هستند و یکی دنباله دیگری است و در قالب یک داستان است، او هرکدام از این بخش‌ها را یک حرکت نامید و بیان داشت که هر داستان ممکن است از دو یا چند حرکت تشکیل شود. پراپ انواع حرکت‌ها را اینگونه تقسیم بندی کرد:

(۱) یک حرکت مستقیماً حرکت دیگر را دنبال کند.

۱. A \_\_\_\_\_ w\*

۲. A \_\_\_\_\_ w<sup>۲</sup>

(۲) پیش از پایان حرکت اول حرکت دیگری شروع و تمام می‌شود، حرکت اول هم به پایان

میرسد .

.....

۱. A \_\_\_\_\_ G \_\_\_\_\_ K \_\_\_\_\_ w\*

۲. a \_\_\_\_\_ k





### خلاصه داستان رستم و شغاد

برای زال فرزندی به نام شغاد به دنیا می‌آید که از لحاظ صورت به سام نریمان شباهت دارد ولی ستاره شناسان پیش بینی می‌کنند که در جوانسالی سیستان را تبه و خاندان زال را نابود می‌کند. زال چاره‌ای جز تسلیم در برابر سرنوشت نمی‌یابد و از خداوند برای او طلب خوبی می‌کند و بعد از مدتی او را به نزد شاه کابل می‌فرستد. او داماد مهراب کابلی می‌شود. رسم چنین است که بزرگان سیستان و کابلستان هر سال یک چرم گاو به عنوان خراج به رستم می‌پردازند. شاه کابل وقتی موعد خراج می‌رسد به گمان اینکه شغاد داماد اوست و رستم از او باج نخواهد گرفت آن را آماده نمی‌کند، اما باج گیران طبق رسم هر سال برای گرفتن آن می‌آیند و در کابل هیاهویی برای آماده سازی آن به پا می‌شود. شغاد از این کار برادر ناراحت شده و کینه او را به دل می‌گیرد و نزد شاه کابل مطرح می‌کند. سپس با او نقشه قتل رستم را می‌کشد و در یک مهمانی با حضور بزرگان کابل، مهراب به صورت ظاهری شغاد و خاندانش را تحقیر می‌کند، شغاد ناراحت رو به سیستان می‌نهد و مهراب در نخجیرگاهی خوش آب و هوا چاه‌هایی کنده، نیزه‌هایی در ته چاه قرار می‌دهد و روی آن‌ها را می‌پوشاند. از طرف دیگر شغاد نزد برادر رفتار مهراب را بیان و شکایت می‌کند رستم که عصبانی شده برای مقابله به گزین کردن سپاه می‌پردازد و به پیشنهاد شغاد مبنی بر اینکه مهراب پشیمان شده سپاه بزرگی تدارک نمی‌بیند و با ۲۰۰ نفر حرکت می‌کند مهراب در میانه راه برای معذرت خواهی می‌آید و رستم او را می‌بخشد در کابل جشنی برپا می‌کند و بعد از شراب مهراب او را به بهانه شکار به سمت نخجیرگاه می‌برد، در نخجیرگاه رخس که بوی نم خاک را فهمیده از رفتن امتناع می‌کند؛ ولی رستم او را وادار به رفتن می‌کند و در چاه می‌افتد در آن لحظه شغاد را بالا چاه می‌بیند و همه چیز را درمی‌یابد، پس با زیرکی به بهانه دفاع از خود در برابر حیوانات وحشی کمانش را از او می‌گیرد و او را که در پشت درختی که کهنسال پنهان شده، می‌کشد و خود نیز می‌میرد سواری از آن مهلکه می‌گریزد و ماجرا را به زال خبر می‌دهد در زابل نوحه سر می‌دهند و زال فرامرز را برای انتقام گسیل می‌کند فرامرز در جنگی که در می‌گیرد مهراب و ۴۰ تن از

خویشان او را اسیر کرده و می‌کشد، پیکر شغاد را به آتش کشیده و راهی سیستان می‌شود و در آن جا تا یک سال برای رستم عزاداری می‌کنند .

### ریخت شناسی داستان رستم و شغاد:

با توجه به این که داستان شغاد با الگو ریخت شناسی پراپ شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد نخست به ریخت شناسی داستان پرداخته و بعد شباهت‌ها و تفاوت‌ها را بیان می‌کنیم. اگر ۳۱ کارکرد مورد نظر پراپ را که در حقیقت فرمول کلی همه داستان‌هاست در این داستان بررسی کنیم، به نتایجی دست پیدا می‌کنیم که ما آن را در جدولی به این شکل بیان کردیم:

	صحنه آغازین	فرزند زال شغاد به دنیا می‌آید و از لحاظ چهره به سام شبیه است.
۲	نهی	موبدان پیش بینی میکنند که در آینده خاندان زال را نابود می‌کند.
	نقض نهی	زال تسلیم تقدیر می‌شود و با خداوند به مناجات می‌پردازد.
۳	غیبت (سفر یا کوچ)	زال شغاد را به نزد شاه کابل می‌فرستد.
w*	ازدواج	شغاد با دختر شاه کابل ازدواج می‌کند.
mot	انگیزش	رستم از مهربان علی رغم میلش باج گرفته و شغاد کینه او را به دل می‌گیرد.
	مصیبت حاصل قرارداد خدعه آمیز	شغاد و مهربان با برپایی مهمانی نقشه قتل رستم را می‌کشند.
۱	فریفتن با اغواگری	شغاد با حالت گلابه به نزد رستم می‌آید و از تحقیر مهربان سخن می‌گوید.
⊖	همدستی	رستم عصبانی میشود و می‌گوید من او را از تخت به زیر می‌کشم.
۳	میانجیگری (رویداد پیوند دهنده)	رستم تصمیم به ادب کردن شاه کابل می‌گیرد و می‌خواهد به طرف کابل برود.
C	مقابله آغازین	رستم به دنبال این تصمیم به جمع آوری سپاه می‌پردازد.
۱	فریفتن با اغواگری	شغاد به او می‌گوید مهربان پشیمان شده و نیازی به سپاه بزرگ و جنگ نیست.
⊖	همدستی	رستم قبول می‌کند و فقط ۲۰۰ سوار و پیاده با خود می‌برد.
	عزیمت	رستم به همراهی زواره و شغاد به سمت کابل حرکت می‌کند.

§	پیوند دهنده (ربط‌دهنده)	شغاد به مهرباب خبر می دهد که برای پوزش خواستن بیاید.
۱	فریبکاری با اغواگری	مهرباب گریان از رستم پوزش می خواهد.
Θ	همدستی	رستم او را می بخشد و پیشنهادش را برای رفتن به جشن و نخجیرگاه می پذیرد.
z	توجه نکردن به کمک یاری گر(تقدیر)	رستم به هشدار رخس که بوی نم خاک را فهمیده توجه نکرده و در چاه می افتد.
A۲۴	شرارت (قتل کسی)	رستم در درون چاه می افتد و شغاد به هدف خود می رسد.
H۱	کشمکش	رستم که متوجه قضیه می شود با زیرکی کمان خود را از او می گیرد.
I۵	پیروزی	رستم تیری به شغاد که پشت درختی پنهان شده می زند و او را می کشد.
§	پیوند دهنده (ربط دهنده)	سواری می گریزد و خبر مرگ رستم رابه زابل می رساند.
B۷ B۲	میانجیگری(رویداد پیوند دهنده)	زال نوحه سر می دهد و فرامرز را با سپاهی برای گرفتن انتقام می فرستد.
C	مقابله آغازین	فرامرز سپاهی آماده می کند تا حرکت کند.
	عزیمت	او به سمت کابل برای جنگ با مهرباب حرکت می کند.
H۱	کشمکش	در نبردی با شاه کابل می‌جنگد.
I۱	پیروزی	مهرباب را شکست می دهد او را با ۴۰ تن از خویشانش اسیر می کند.
U	معجزات شریر	مهرباب را در چاهی می کشد و خویشان او و شغاد را به آتش می کشد.
	بازگشت	بعد از گرفتن انتقام به زابل بر می گردد.

درباره مصیبت مقدماتی باید گفت که طبق نظریه پراپ در قراردادها و پیمان های خدعه آمیز که نوع خاصی از فریبکاری را شامل می شوند شریر خود موقعیت دشوار را به وجود می آورد تا از این راه شرایط را برای انجام شرارت تسهیل کند در این داستان نیز شغاد مصیبت مقدماتی را که باعث عزیمت قهرمان است به وجود می آورد و قهرمان را به جایی می کشاند تا در نهایت شرارت را انجام دهد؛ اما باید به این مورد توجه داشت که ، با وجود این که نیت و افکار اشخاص قصه نقشی در خویشکاری ها ندارد و تنها، رفتار شخصیت ها کارکردها را به وجود

می آورد؛ ولی انگیزش که خود سبب انجام شرارت می شود نتیجه افکار و نیت شغاد است؛ اما همانطور که بیان شد جایگاهی در خویشکاری های داستان ایفا نمی کند. در حقیقت سلسله داستان با علت و معلول هایی در پی هم می آید و روند آن را شکل می دهد در این میان تنها عمل شریر نیاز به انگیزشی جداگانه دارد و همانگونه که پراپ انگیزش را دلایل و اهدافی می داند که باعث اعمال فرد می شود در این داستان خراج گرفتن انگیزه اصلی برای اعمال شغاد قرار می گیرد آگاهانیدن نیز که در دو نقطه از داستان اتفاق می افتد دو حرکت کاملاً متفاوت را به هم پیوند می دهد و از نوع آگاهانیدن مستقیم است و عمل انتقال مکانی در داستان وجود ندارد زیرا طبق تحلیل پراپ اگر قهرمان به آسانی به مکان جدید وارد شود حرکت محسوب نمی گردد. رستم در این داستان از نوع قهرمانان جست و جوگر است زیرا برای دفع مصیبت خود پیش قدم می شود و کسی او را گسیل نمی کند که در روند داستان قربانی می شود به عبارتی حفظ نام، آبرو، نژاد و گوهر که از مهم ترین ارکان زندگی به خصوص برای جهان پهلوان ایران است، به قدری در فرهنگ ایران اهمیت دارد که کوچکترین احساس مبنی بر آسیب وارد شدن بدان خود می تواند بالاترین انگیزه را برای دفاع از آن به هر قیمتی حتی جنگ فراهم آورد به گونه ای که مرگ در مقابل آن بی ارزش می شود؛ از طرفی داستان شغاد «یک تراژدی خانوادگی است و می نماید که هر فرازی نشیبی دارد و نیرویی برتر از نیروی روزگار نیست. با این حال، رستم را تنها با نیرنگ و دام می توان از میان برداشت. زندگی سرانجام به پایان رسیدنی است، آنچه بر جای می ماند (نام) است که رستم تا آخرین لحظه بر سر آن می ایستد. ... آدمی در عین زیستن بر روی خاک و سر نهادن به شرایط زندگی خاکی، حسرت دستیافت به یک (نیروی برتر) را از دست نداده است. در تمدن ایران رستم نماد آن است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۳۲۴) به همین دلیل است که برخلاف طبقه بندی پراپ او به یاری گر خود رخش توجه نمی کند و سرنوشت او را به سمت مرگی شکوهمند و شرافتمندانه پیش می برد و سخن حکیم توس موید این نظر است:

به چیزی که آید کسی را زمان بیچند دلش کور گردد گمان

همچنین درباره حرکت Z باید اظهار داشت که این حرکت در داستان جدید است و در کارکردهای پراپ وجود ندارد. رخس در اینجا طبق تحلیل های پراپ یاریگر محسوب می شود نه بخشنده و رستم بر خلاف الگوی طبقه بندی شده پراپ که همیشه قهرمان از کمک یاریگر سود می جوید به هشدار رخس توجه نکرده و قربانی می شود و دلیل آن را هم می توان مربوط به فرهنگ ایرانیان و تقدیرگرایی نهفته در ذهن آن ها دانست و اعتقاد به این مسئله که اگر سرنوشت کاری را در پیش گیرد تمام تلاش های انسان برای مقابله با آن بی نتیجه است. »

درحقیقت می توان اعتقاد به تقدیر و سرنوشت را ناشی از اندیشه های زروانی و زروان پرستی در ادواری از تاریخ ایران دانست، در دوره هایی از تاریخ ایران مردم به زروان به عنوان خدای مرگ، زندگی، بخت و تقدیر اعتقاد داشتند. بعد از اسلام هر چند زروان پرستی از بین رفت؛ ولی بعضی آثار آن مانند سرنوشت و تقدیر در افکار مردم باقی ماند. به همین دلیل است که ایرانیان در طول تاریخ در فراز و نشیب تغییر حکومت ها بیشتر نظاره گر بودند، زیرا آن واقعه را به صورت بخت و تقدیر خود می پذیرفتند. و اعتقاد به فال و پیشگویی همه نشان این اندیشه است که مردم می خواستند از سرنوشت مقدر خود آگاهی یابند. این اعتقاد در شاهنامه به صورت نکوهش حرص و آز بیان می شود که نوعی مخالفت با قضا و قدر است و تلاش برای رسیدن به بهره بیشتر» (جای پای زروان: ۱۳۷۹). چراکه «زروانی ها زیاد طلب نیستند زیرا کسی بیشتر از آنچه سهم اوست، نمی تواند بخواهد و نمی تواند به دست بیاورد. این فناخت ضامن آن است که عمر در طلب و طمع تلف نشود» (دولت آبادی، ۱۳۷۹: ۴۵) و «در جهان بینی زروانی تقدیر حاکم مطلق است. زندگی به مشیت خوتای زمان شروع می شود و بر جریان لحظه به لحظه آن، زروان تسلط کامل دارد و وقتی زمان رفتن فرا می رسد، باز برنده ترین حربه تقدیر یعنی مرگ در دست اوست چون خود او خوتای مرگ است» (دولت آبادی، ۱۳۷۹: ۴۱).

همانطور که می دانیم هر شخصیت می تواند چندین کارکرد مختلف را بر عهده بگیرد و گاهی نیز ممکن است کارکردی در حوزه ی عمل چند شخصیت وجود داشته باشد لذا جدول زیر براساس کارکردهای هر یک از شخصیت های داستان تنظیم شده است:

کارکرد مربوط به هر شخصیت	شخصیت
$\Theta B^3 C \Theta \Theta Z H_1 I_5$	رستم
$^3 w^* mot \quad ۱ \quad ۱ \quad \S A^{24} H_1$	شغاد
$^3 B^2 B^7$	زال
$۱ H_1$	مهراب
$C \quad H_1 I_1 U$	فرامرز

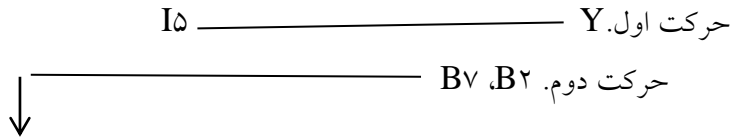
صحنه آغازین به دلیل این که جزء خویشکاری‌ها نیست در جدول فوق ارائه نشده است همچنین پیش بینی موبدان در کارکرد های شخصیت‌ها نیامده است زیرا می‌توان آن‌ها را در زیر گروه یاری کنندگان قرار داد که در جدول مربوط به کنش‌ها آمده است. پراپ هفت شخصیت اساسی را شناسایی کرد که نقش‌های پایه‌ای داستان را تشکیل می‌دهند که ما آن‌ها را در این داستان بررسی و طبق‌الگوی پراپ استخراج کرده ایم:

شخصیت	قهرمان	شریر	شاهزاده خانم	سپاه	یاری‌گر	گسیل دارنده	قهرمان دروغین
حرکت ۱	رستم	شغاد	-	-	رخش، مهراب، ستاره‌شناسان	-	-
حرکت ۲	فرامرز	مهراب	-	-	سپاه فرامرز و مهراب	زال	-

پراپ در روند بررسی قصه‌ها به خویشکاری‌های جفتی دست یافت و چهار رده حاصل از آن را این‌گونه بیان کرد که قصه از طریق خویشکاری H-I یا M-N یا از طریق هر دو خویشکاری و یا بدون هرکدام از آن‌ها بسط می‌یابد. داستان شغاد بنا بر جداول فوق دارای دو حرکت است و طبق تحلیل‌های پراپ ترکیب حرکت‌ها از نوع اول است که یک حرکت

به صورت کامل تمام می شود و حرکت بعدی مستقیماً بعد از آن آغاز می شود داستان از طریق H-I (جنگ و پیروزی) بسط می یابد و با توجه به این مهم که شاهنامه کتابی حماسی است و جنگ جزء لاینفک حماسه ها می باشد قابل پذیرش است.

**شکل حرکتی داستان:**



حرکت اول داستان از نهمی آغاز شده و به پیروزی (کشته شدن شغاد) می انجامد و حرکت دوم بلافاصله بعد از آن با پیوند دهنده‌ای به حرکت اول وصل می شود؛ بنابراین، این حرکت با گسیل قهرمان شروع و با بازگشت او به پایان می‌رسد و در نهایت داستان در قالب دو حرکت جداگانه اما مرتبط بیان می‌شود.

با توجه به نوع خویشکاری های جفتی که پراپ بیان نمود می‌توان الگویی برای هر یک از جفت ها به دست آورد و حرکت هایی که با H-I بسط می یابند را این گونه بیان داشت:

$$ABC \uparrow DEFGHJK \downarrow PrRs.LQTUW^*$$

الگوی کلی استخراج شده از این داستان به شرح زیر می باشد:

Y 6 ۳w* mot ۱ Θ B۳ C ۳ ۱ Θ Z A۲۴ H۱ I۵	الگوی حرکت اول
B۲ B۷ C H۱ U	الگوی حرکت دوم

با توجه به طرح ارائه شده از دو حرکت داستان مشاهده می کنیم که در حرکت اول ازدواج از پایان داستان به آغاز آن منتقل شده است زیرا در داستان شغاد هدف ازدواج نمی باشد لذا عنصری نیست که تمامی اتفاقات داستان برای رسیدن به آن انجام شود و نیز شرارت و فریبکاری تقریباً در پایان حرکت اول آمده اند در صورتیکه باید قبل از رویدادهای پیوند دهنده

قرار بگیرد تا دلیلی باشد برای مقابله آغازین که بعد اتفاق می افتد ولی در جهت سه گان شدن رویدادها که منجر به نتیجه اصلی داستان می شوند و آن را به سمت نقطه پایان هدایت می کنند این کارکرد ها بعد از آن قرار گرفته است تا شرارت اصلی داستان را در پی داشته باشد. رویدادهای سه گان شده معمولا برای تعلیق و تاکید بر بخش های مهم داستان صورت می گیرد که یک رویداد ۳ بار تکرار می شود و همیشه آخرین تکرار از بقیه مهم تر است زیرا نتیجه موردنظر را در پی دارد ، در واقع « قانون سه از قوانین رایج در حماسه است که در سایر صورت های مشابه یا نزدیک به آن هم دیده می شود » (خدیش، ۱۳۹۱: ۱۱۱) و به گفته پراپ ممکن است در جزئیات مربوط به افراد قصه با ماهیتی توصیفی و یا در خویشکاری های فردی، جفتی، گروهی و سرتاسر داستان واقع شود بنابراین در داستان رستم و شغاد ، شغاد بعد از تصمیم گرفتن به قتل رستم در سه محله جداگانه به فریبکاری و اغوای برادر دست می زند تا بالأخره درسومین مرحله با کمک یاریگر خود به این کار اقدام می کند و به نتیجه مورد انتظار او منجرشده و رستم به کام مرگ کشیده می شود. این جابه جایی ها و برخی عدم توالی های دیگرمانند جابه جایی مجازات و بازگشت در حرکت دوم و یا عدم رعایت توالی در آمدن مصیبت و نیز غیبت هیچ کدام ناقض الگو پراپ نیستند بلکه بنا بر نظر او خویشکاری ها همیشه در یک خط مستقیم به دنبال هم نمی آیند و ممکن است جابه جایی هایی رخ دهد که با توجه به ساختار هر قصه پدیدار می شوند و به معنای نقض الگو نیستند.

### ساختار روایت

ساختار روایت قصه ها معمولا از تعادل اولیه شروع می شود و به عدم تعادل ها و موانعی برخورد می کند و بعد از تمامی اتفاقات داستان به یک تعادل نهایی می رسد و بررسی این مورد نیز در داستان خالی از فایده نخواهد بود .

### حرکت اول:

- تعادل اولیه: (۱) شغاد به دنیا می آید و از لحاظ چهره به سام نریمان شباهت دارد.  
 عدم تعادل: (۱) ستاره شناسان پیش بینی می کنند که او خاندان زال را نابود می کند.  
 (۲) زال با خدای خود مناجات و از او طلب خوبی می کند.



- تبادل نسبی: (۱) زال شغاد را به نزد شاه کابل می فرستد و او داماد مهرب می شود.  
 (۲) رستم هر سال از بزرگان کابل و زابل یک چرم گاو باج می گیرد.  
 عدم تبادل: (۱) مهرب باج را آماده نمی کند به علت این که شغاد داماد اوست.  
 (۲) باج گیران کابل را برای فراهم کردن باج به هم می زنند و شغاد کینه ی رستم را به دل می گیرد.  
 (۳) او با همراهی مهرب نقشه ی قتل رستم را می کشند و مهمانی را به این منظور ترتیب می دهند.  
 (۴) مهرب شغاد را تحقیر می کند و او با رنجیدگی به سمت زابل به راه می افتد.

- (۵) رستم تصمیم به مقابله می گیرد و به سمت کابل حرکت می کند.  
 تبادل نسبی: (۱) مهرب معذرت خواهی می کند و رستم او را می بخشد.  
 (۲) مهرب او را به جشن و شکارگاه دعوت می کند.  
 (۳) رستم به طرف شکار گاه حرکت می کند.  
 عدم تبادل: (۱) رخس بوی نم خاک را حس می کند ولی رستم به او توجه نمی کند.  
 (۲) رستم به درون یک چاه فرو می افتد.  
 تبادل نسبی: (۱) رستم کمان خود را از شغاد می گیرد و او را می کشد.  
**حرکت دوم:**  
 عدم تبادل: (۱) زال نوحه سر می دهد و فرامرز را با سپاهی برای انتقام گرفتن می فرستد.  
 (۲) جسد رستم را دفن می کنند.  
 تبادل پایانی: (۱) فرامرز در جنگ پیروز می شود و مهرب را اسیر می کند.  
 (۲) او مهرب را و خویشانش را می کشد.  
 (۳) به سیستان باز می گردد و تا یک سال عزاداری می کنند.

در پیکره کلی داستان تبادل اولیه با ایجاد اخلاص هایی در آن از بین می رود ولی در پایان دوباره به تبادل می رسد در ساختار داستان شغاد نیز تعادلی اولیه بیان می شود که به صورت

تلویحی عدم تعادل را درون خود می‌پرورد، به عبارت دیگر به دنیا آمدن شغاد به نوبه خود سبب عدم تعادل در بطن داستان می‌شود زیرا زال یکی از پایه‌های اساسی سنت جامعه را که رعایت طبقه اجتماعی می‌باشد زیر پا می‌گذارد و وضعیت خوب آغاز داستان مقدمه حوادث بعدی قرار می‌گیرد.

### تفاوت‌ها و جابه‌جایی‌ها در داستان شغاد و الگوی پراپ

به طور اجمال می‌توان گفت داستان، جدا از تبعیت کلی از الگوی پراپ تفاوت‌ها و جابه‌جایی‌هایی با آن دارد که عبارتند از:

۱. ازدواج از پایان داستان به آغاز منتقل شده است زیرا بنابر موضوع داستان در زمره اهداف آن نیست بلکه تنها، زمینه ساز حوادث بعدی و بروز کینه و حسادت شغاد نسبت به رستم می‌گردد و بهانه‌ای برای عملی کردن نیات پلید او که برای فهم بیشتر در کارکردها منظور گردید.
۲. جابه‌جا شدن شرارت و فریبکاری با هدف فریب رستم و قتل او، تکرار این فریبکاری‌ها منجر به سه‌گان شدن این رویداد می‌شود و در مرحله سوم سبب مرگ رستم می‌گردد.
۳. توجه نکردن به یاریگر که حرکت جدید Z را در پی دارد و بیانگر تفاوت‌هایی در اندیشه‌های ایرانی با داستان‌های تحت بررسی پراپ است که نقش فرهنگ را در ساختار قصه‌های هر قوم و ملت نشان می‌دهد و به دلیل این که در داستان‌های ایرانی اصل تقدیر است ناگزیر برخی کارکردها متفاوت می‌شود.
۴. کارکردهای نهی و نقض نهی با غیبت در این داستان با الگوی پراپ جابه‌جا شده‌اند و زال بعد از بی‌توجهی به نهی موبدان اقدام به فرستادن شغاد به کابل می‌کند که گونه‌ای از غیبت است اما در حقیقت با هدف دور کردن زیان ناشی از نقض کردن نهی انجام می‌شود که بی‌نتیجه و باعث قتل رستم می‌گردد.
۵. مصیبت مقدماتی معمولاً بعد از فریبکاری رخ می‌دهد؛ ولی در داستان شغاد مصیبت در حقیقت نیرنگی است که شکل خاص "مصیبت حاصل از قرارداد خدعه‌آمیز" را به وجود می‌آورد و شغاد در مراحل بعدی جداگانه به فریبکاری رستم دست می‌زند تا راه برای شرارت اصلی باز شود.

۶. جابه‌جایی بازگشت قهرمان و مجازات شریب که به علت اختلاف سرزمینی کابل و زابل و ساختار خاص داستان است و فرامرز پس از پیروزی بر مهرباب و مجازات او و خویشانش به زابل باز می‌گردد.

حال پس از بررسی الگو پراپ در داستان و نشان دادن ساختار روایت و پیکره کلی داستان می‌توانیم بگوییم که این الگو در شاهنامه که تلفیقی از داستان‌های اساطیری، حماسی و تاریخی ایران است و سراسر آن را جنگ، حماسه و جدال اهورا و اهریمن پوشانده است نیز قابل بررسی است، در این جستار همه‌ی موارد الگو پراپ در داستان بررسی و موارد موجود در آن نشان داده شد، نتایج به دست آمده می‌تواند ما را در حل بسیاری از ابهامات در این حوزه یاری کند و این پژوهش می‌تواند در ریخت‌شناسی داستان‌های شاهنامه به عنوان یک الگو نشان داده شود.

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌ها و تحلیل‌های ارائه شده از داستان بر طبق روش پراپ می‌توان گفت که داستان دارای دو حرکت است و هردو از نوع حرکت‌های اول داستان و بسط از طریق خویشکاری‌های H-I است که با توجه به نوع ادبی شاهنامه که روایت حماسی تاریخ ملی-پهلوانی ایران است قابل توجیه است، افزون بر این داستان رستم و شغاد کارکردی جدید را شامل می‌شود که براساس فرهنگ مردم و تقدیرگرایی فردوسی می‌توان آن را پذیرفت؛ زیرا بنا بر اعتقاد تقدیرگرایی فردوسی اگر مرگ کسی فرا برسد و سرنوشت حادثه‌ای را برای او رقم بزند، همه تدابیر آدمی با شکست مواجه می‌شود، چشم خرد انسان کور شده و تمامی اتفاقات ما را به سمت آن حادثه پیش می‌برد که این اعتقاد ریشه در اندیشه‌های زروانی ایرانیان در پیش از اسلام دارد. درباره خویشکاری‌ها باید گفت تعدادی از کارکرد‌های پراپ در این داستان وجود دارد؛ اما نه همگی، چراکه بنابر نظر پراپ در یک داستان همه‌ی خویشکاری‌ها وجود ندارند و بعضی خویشکاری‌ها نیز با یکدیگر جابه‌جا می‌شوند بنابراین عدم رعایت

توالی خویشکاری‌ها که در داستان رستم و شغاد نیز دیده می‌شود طبقه بندی پراپ را رد نمی‌کند بلکه فقط جابه جایی‌هایی است که ناقض الگو کلی نیست و فقط در حکم نمونه‌هایی است و این می‌تواند ناشی از خاصیت داستان‌های ایرانی و به طور اخص حماسی باشد. بعضی خویشکاری‌های بیان شده آرایش جفتی دارند مانند خویشکاری H-I و یا عدم تعادل اولیه داستان که همیشه با تعادل پایانی یک جفت را تشکیل می‌دهند جدای از آن یکی از نقاط مهم داستان که در حقیقت سبب پیش بردن روند اتفاقات می‌شود انگیزش است و تنها عمل شریک نیاز به انگیزشی جداگانه دارد که در این داستان نیز خراج گرفتن بهانه‌ای می‌شود تا داستان به سمت حادثه‌ی اصلی پیش رود. نهایت آن که داستان رستم و شغاد مطابق با الگوی پراپ است، همچنین دارای رویدادهای سه‌گانی و نیز کارکردی جدید است و از ساختار داستانی تبعیت می‌کند.



## References:

- Badrai, F. ۲۰۱۳. Morphology of the fairy tales. Tehran. Tooss press. ۲۷۸p.  
(Translated in Persian).
- Doolat Abadi, H. ۲۰۰۰. God Zorvan footsteps of fortune and fate. Tehran. Ney press. ۱۵۲p.
- Eslami nadooshan, M. ۲۰۰۲. Iran and the word through the eyes of shahnameh. Tehran. Amir kabir press. ۲۶۸p.
- Estaji, E., and Rashki, S. ۲۰۱۳. Siavash story based on the theory of propp s Morphological analysis dshnasy, Faculty of Literature and Humanities, University of Esfahan. New course. Year ۵. member ۳. ۳۷-۵۱.
- Farzi, H., and Fakhimi Fareiabi, F. ۲۰۱۳. Seven adventures of Rostam of Shahnameh based on Morphological theory of Vlademir propp. A study of epic literature. Year ۹. Member ۱۶. ۶۳-۷۵.
- Ghorbani, Kh., and Goorak, K. ۲۰۱۳. Zall and Roodabeh Bahram Goor and Spinood Goshtasp and Katayoon Morphology . A study of song literature. Sistan and Baloochestan university year ۱۱. member ۲۰. ۲۳۹-۲۵۴.
- Hamidian, S. ۱۹۹۳. Introduction to the thought and art of Ferdosi. Tehran. Markaz press. ۴۶۸p.-
- . ۲۰۰۵. Shahnameh (full text). Tehran. Qatreh press. ۱۳۷۲p.
- Khadish, p. ۲۰۱۲. Morphology magical legends. Tehran. Elmi Farhangi press. ۶۴۶p.
- Matin, P. ۲۰۰۴. Fiction in iran .Tehran. Amir Kabir press. ۱۸۶p. (translated in Persian).
- Mokhber, A. ۱۹۹۳. Guide to contemporary literary theory. Tehran. Tarh No press. ۳۱۲p. (Translated in Persian).
- Reyazi, H. ۲۰۰۵. Translation of Shahnameh in prose narrative storis and messeges. Tehran. Ohadi press. ۵۸۶p.

- Rouhani, M., and Enayati Ghadikelai, M. ۲۰۰۹. Bihan and Manijeh Morphological study of Shahnameh stories based on the theory of Veladimir propp. Faculty of literature and Human sciences. Year ۱۷. Member ۶۶. ۱۱۹-۱۴۳.
- Safai Haeri, A. ۲۰۰۹. The mentality and the critique and criticism of Iranian fiction. Qom. Lillat alghadr press. ۲۵۶p.
- Sarrami, GH. ۲۰۰۹. Of flowers color on pain of thorns. Tehran. Elmi Farhangi. ۱۰۹۰p.
- Shahnamelogy. ۱۹۷۸. Speed collection of first scientific meeting discussing the Shahnameh in the province Hormozgan. Cover ۱. Ferdousi Shahnameh foundation. ۲۶۴p.
- Soleimani, M. ۲۰۱۲. Art fiction. Tehran. Amir Kabir press. ۴۲۲p. (Translation in persian).
- Taheri, F. ۲۰۰۰. Introduction to structuralism in literature. Tehan. Naghsh jahan press. ۳۰۶p. (Translated in Persian).
- Yoonesi, E. ۲۰۰۷. The art of fiction. Tehran. Negah press. ۵۶۰p.
- Zarshenas, SH. ۲۰۰۸. Studies in contemporary fiction. Tehran. Kanoon-E javan press. ۴۰۰p.

## منابع:

- استاجی، ابراهیم و رشکی، سعید (۱۳۹۲). «تحلیل ریخت‌شناسی داستان سیاوش براساس نظریه ولادیمیر پراپ»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، دوره جدید سال ۵، شماره ۳، صص ۵۱-۳۷.
- اسلامی ندوشن، محمد. (۱۳۸۱). ایران و جهان از نگاه شاهنامه، تهران، امیرکبیر، ۲۶۸ص.
- بدره‌ای، فریدون. (۱۳۹۲). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، چ ۳، تهران، توس، ۲۷۸ص (ترجمه).
- حمیدیان، سعید. (۱۳۷۲). درآمدی براندیشه و هنر فردوسی، چ ۱، تهران، مرکز، ۴۶۸ص.
- (۱۳۸۴). شاهنامه فردوسی متن کامل، چ ۱، تهران، قطره، ۱۳۷۲ص.
- خدیش، پگاه (۱۳۹۱). ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی، چ ۲، تهران، علمی فرهنگی، ۶۴۶ص.
- دولت‌آبادی، هوشنگ (۱۳۷۹). جای پای زروان خدای بخت و تقدیر، چ ۱، تهران، نی، ۱۵۲ص.
- روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمد (۱۳۸۸). «بررسی ریخت‌شناسانه داستان بیژن و منیژه شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۷، شماره ۶۶، صص ۱۴۳-۱۱۹.
- ریاضی، حشمت‌الله (۱۳۸۴). برگردان روایت گونه داستان‌ها و پیام‌های شاهنامه فردوسی به نثر، چ ۱، تهران، اوحدی، ۵۸۶ص.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۷). جستارهایی در ادبیات داستانی معاصر، تهران، کانون اندیشه جوان، ۴۰۰ص.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۸۸). از رنگ گل تا رنج خار، چ ۵، تهران، علمی فرهنگی، ۱۰۹۰ص.
- سلیمانی، محسن. (۱۳۹۱). فن داستان‌نویسی، چ ۶، تهران، امیرکبیر، ۴۲۲ص (ترجمه).
- شاهنامه‌شناسی. (۱۳۵۷). مجموعه گفتارهای نخستین مجمع علمی بحث درباره شاهنامه در استان هرمزگان، جلد سوم، بنیاد شاهنامه فردوسی، ۲۶۴ص.
- صفایی حائری، علی. (۱۳۸۸). ذهنیت و زاویه دید در نقد و نقد ادبیات داستانی ایران، چ ۴ ویرایش سوم، قم، لیل‌القدر، ۲۵۶ص.
- طاهری، فرزانه. (۱۳۷۹). درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، چ ۱، تهران، نقش جهان، ۳۰۶ص (ترجمه).
- ° فرضی، حمیدرضا و فخریمی فاریابی، فرناز (۱۳۹۲). «ریخت‌شناسی هفت خوان رستم از شاهنامه فردوسی براساس نظریه ولادیمیر پراپ»، پژوهش‌نامه ادب حماسی، سال ۹، شماره ۱۶، صص ۷۵-۶۳.

- ° قربانی، خاور و گورک، کیوان. (۱۳۹۲). «ریخت شناسی داستان زال و رودابه، بهرام گور و اسپینود، گشتاسب و کتایون»، پژوهش نامه ادب غنایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۱۱، شماره ۲۰، صص ۲۵۴-۲۳۹.
- مخبر، عباس. (۱۳۷۲). راهنمای نظریه ادبی معاصر، چ ۱، تهران، طرح نو، ۳۱۲ص (ترجمه).
- متین، پیمان. (۱۳۸۳). ادبیات داستانی در ایران زمین، چ ۲، تهران، امیر کبیر، ۱۸۶ص (ترجمه).
- یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۶). هنر داستان نویسی، چ ۸ ویرایش ۲، تهران، نگاه، ۵۶۰ص.

